

اجزاء قطعاً نباید بیج حزبی داخل شوند و در امور سیاسیہ مدخلہ نمایند

حضرت عبدالبہاء

# آہنگ بدیع

مخصوص جوانان بہائی است

شمارہ دہم ۱۷۴

شہر الکمال شہر الاسما، ۱۱۸ - مرداد ۱۳۴۰

شمارہ پنجم سال شانزہم

اگست ۱۹۶۱

## فہرست مند رجعات

صفحہ

—	۱- لوح مبارک حضرت عبدالبہاء ارواحنا لرمہ الاطہرفداه
۱۱۹	۲- بلای ناگہانی
۱۲۲	۳- تجلیل یک دانشمند ایتالیائی از حضرت باب
۱۲۵	۴- غذای روح ( ۳ )
۱۲۸	۵- مناجات صبحگہی
۱۲۹	۶- یادی از فاضل فقید " جناب علوی "
۱۳۱	۷- ایادی امراللہ - ترجمہ حال حضرت ملاعلی اکبر شہسپیرزادی
۱۳۲	۸- کان حکمت ( شعر )
۱۳۳	۹- طائر روح ( شعر )
۱۳۴	۱۰- تاریخ ادیان
۱۳۹	۱۱- یک خاطرہ تبلیغی
۱۴۱	۱۲- معرفی کتاب ( اقلیم نور )
۱۴۳	۱۳- آہنگ بدیع و خوانندگان

عکس روی جلد - ام المعابد استرالیا (سیدنی) کہ روز ۱۷ سبتمبر ۱۹۶۱ مراسم افتتاح آن بعمل آمد و شرح آن در اخبار امری ایران نیز مندرج است.

هو الابی

ای طالب صادق و حبیب موافق آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه گشت و بنهایی وقت تلاوت گردید الیوم تکلیف  
کل این است که آنچه از سلم اصلی نازل از اتباع نمایند و آنچه بیان صریح و واضح این عهد است اعتقاد کنند ابد تا اول  
تفسیر نمایند و تلویح ندانند قسم بر بی غیب و سهو هر نفسی از خود تصویری نماید و یا تخطری کند سبب احتجاب او گردد و  
علت از ریاب او شود این است اعتقاد صحیحی نیستی صریحی بدی بی ابل ملکوت ابی و مکان جبروت اصلی که ظهور  
کلیه که نقاط اولیه و ششمس حقیقیه و مبادی فیوضات رحمانیه هستند منتی بظهور عظیم و جمال قدم روحی لا اقدم  
اجاءه الفذار شد و تا قبل از موعده مذکور در کتاب تفسیر بعضی الفسوفه جمع نفوس مقدسه که موجود شوند ادلا و عباد  
و اقبال تراب آستان جمال مبارکند کل در نزد آن آفتاب حقیقی بمنزله سراج مستفیده و نجوم ستیزه هستند که شعاعی از  
اشد آن شمس حقیقت مستفیض گشتند کل عباد و کل بامر و میلون سبحان تم چه نسبت است بین تراب و آفتاب  
و چه مشابهت است بین ذره و آفتاب جهاتاب و اما این عهد مقاسم عهد الهیاء و ذره از خاک است  
جمال ابی در ساحت اجایش مجونا بودم و در آستان بندگانش تراب بی وجود استغفر الله عن دون و کیست  
ولی این مطلب را بحال محبت و رافت تقسیم کل نمایند بعنف و زجر که سبب اختلاف شود

در این کتاب که اولین شرح است بر این المصنف نه در این مبحث که در این مبحث است

در این کتاب که در این مبحث است بر این المصنف نه در این مبحث که در این مبحث است

در این کتاب که در این مبحث است بر این المصنف نه در این مبحث که در این مبحث است

در این کتاب که در این مبحث است بر این المصنف نه در این مبحث که در این مبحث است

در این کتاب که در این مبحث است بر این المصنف نه در این مبحث که در این مبحث است

در این کتاب که در این مبحث است بر این المصنف نه در این مبحث که در این مبحث است



# بدین نامک

مهندس کیموش ایزدی

۱۷ اسفند ۱۳۳۵) دو نوبت به پمپی رفتم و تفصیل از قسمتهای مختلف آن بازدید نمودم - دیدار آثار باقیمانده شهر مصیبت زده برآستی مرا تکان داد سرگذشت طوفان نوح و داستان اقوام عاد و ثمود و قضیه تم لوط و انهدام شهر سدوم را شنیده بودم ولی در گرگان نمینمودم صحنه یکی از این حوادث شوم و هراس انگیز را با تمام مظاهر قدرت و عظمتش بدو چشم خود مشاهده کنم. سیاحان و بازدید کنندگان پمپی غالباً نظرشان معطوف جنبه هنری و زیبایی های شهر است برآستی پمپی مملو از آثار هنری کم نظیری است که در هر قدم چشم بیننده را خیره میکند و او را باعجاب و تحسین و امیدارد و مجال توجه به جنبه های دیگر را از او میراید این عبد نیز بالفطره مانند دیگران - بودم جز آنکه بحقتضای پرورش روحانی و تربیت امری در سیرو سیاحت خود علاوه بر ظواهر بعقل نیز توجه مینمودم و بقدر فهم و استعداد عوامل و جهات مختلف را در نظر میگرفتم. بعلاوه چاشنی مسافرتیم تشریف از اقدس و درک لقای مولای مهربان بوده و آنچه از هم اطهر شنیده بودم در روح و روانم تا نیری عقیق بجای گذاشته بود.

شهر پمپی آنطور که من دیدم شاهد و نمونه - زنده ای است از کلیه بلایای آسمانی که در طول تاریخ بر امتها نازل گردیده و نموداری است حقیقی ناچیز از آنچه ممکن است اتفاق بیفتد. پمپی در دوران آبادانی محل خوشگذرانی اعیان و اشراف هم بوده است. آثار موجوده نشان میدهد که قبل

عصریم شنبه سم شهر الملک ۱۱۳ (۲۰ بهمن ۱۳۳۵) در جوار مقام مقدس اعلی جمعی از زائرین ایرانی در معیت جناب انوک اولینگا و جناب دکتر لطف الله حکیم در محضر مبارک غصن ممتاز ولی عزیز امرا لله مشرف بودیم بمناسبتی ذکر سجن اعظم و - تزیینات وارده بر جمال قدم رانمودند از جمله فرمودند " در بحبوحه بلایا حضرت بها اللہ الواح ملوک را صادر و دعوت عمومی راتا" سپس فرمودند چون اهل عالم و رؤسای ام بدعوت الهی و انذارات ربانی توجهی ننمودند اینک بعد از انقضای میقات صد ساله زمان مجازات فرارسیده است. و پس از ذکر مطالبی فرمودند " حضرت اعلی ذکر عذاب کبیرا کبیرا فرموده اند این عذاب حتی الوقوع و اجتناب ناپذیر است" از حضور مبارک در باره کیفیت حدوث این واقعه هائله سئوالی کردم فرمودند " کیفیتش معلوم نیست - میقات آن نیز نامعلوم است فقط میتوان گفت حتی الوقوع است زیرا وعده الهی ونص صریح است آن روز بیانات مبارک در این زمینه مفصل، مهیمن و بسیار مؤکد بود - بدیهی است این بیانات در ذهن زائرین اثری عمیق داشت. پس از پایان ایام تشریف و مرخصی از حضور مبارک این عبد از طریق استانبول عازم اروپا شدم و به سیر آفاتی و انفس برداختم از جمله آثاری نظیر تاریخی که بازدید نمودم بقایای شهر پمپی واقع در حدود ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی بندر نابل بود در مدت چهار روز اقامت خود در نابل ( دوشنبه ۱۳ تاجمه

ازانهدام شهر یعنی در زمان امپراطوری نرون و — همزمان با تخمین قتل عام فجیع مسیحیان در رم و شهادت پطرس مقدس و پولس قدیس ( محتملا سال ۶۷ میلادی ) ساکنین پمپئی یعنی همان عشسرت طلبان رم در منجلاب فساد و عیش غوطه ور و در غفلت و بیخبری محض بسر میبرده اند تا آنکه در سال ۷۹ میلادی آتش فشان معروف و زو غفلتا فوران نموده و دوشهر زیبا و مجلل پمپئی و هرکولانم را با کلیه آثار نفیسه هنری و مظاهر عیش و نوش نفسانی همراه تعدادی مردم و جانداران دیگر چنان در خاکستر داغ و مواد مذاب آتشفشانی مدفون ساخته گسه کوچکنترین اثر مرئی از این دو شهر باقی نمانده است. مدت هفده قرن این آثار در نهایت طراوت و تازگی در ظلمات خاک پنهان و مردم جهان از موقعیت این دو شهر و حوادث آن بیخبر بوده اند. بد قدرت الهیه این صحنه عبرت انیزر اسالم و دست نخورده برای انتباه مردم زمان حاضر محفوظ داشته است در سال ۱۷۴۸ برحسب يك تصادف چند مجسمه در محل کشف گردید و سپس باستان شناسان شروع بحفاری و تحقیقات علمی نمودند و آثار شهر پمپئی تدریجا مکشوف و نمایان شد و این عملیات همچنان در مدت دو قرن اخیر مستمر و دقیقادامه داشته است و هنوز هم قریب يك ثلث شهر زیر مواد آتشفشانی پنهان است. امروزه قسمت مکشوفه شهر — به بهترین وجهی حفاظت میشود تمام خیابان ها شماره گذاری شده و هر منطقه \* آن نگهبانی — مخصوص دارد. بسیاری از خانه ها بصورت اولیه مرمت یافته و باغچه های آن بوضع اصلی احیا گردید است. اصولا آنچه در پمپئی کاملا منهدم شده سقف عمارات است که غالبا چوبی بوده غالباً سا ریخته و خراب است ولی باقی قسمتها بخصوص قسمتهای داخلی عمارات بوضعی عجیب سالم و محفوظ مانده است.

انتها ادوات و اشیاء چوبی است که بسرور زمان فاسد و نابود گردیده است. نقوش بسیار ظریف و الوان دیواری با طراوت اولیه حتی سالم ترا از بعضی نقوش دوره \* رنسانس ( قرن ۱۵ و ۱۶ — میلادی ) باقی و برقرار است همچنین نقوش بسیار نفیس موزائیک مرکب از سنگریزه های الوان که درک اطرافها روی دیوارها و تزئینات چشمه ها و حوضها بوضعی دلفریب بچشم میخورد. تعداد زیادی مجسمه های نفیس و همچنین وسائل زندگی از هر قبیل باقی است. بقایای شبکه لوله کشی فلزی ( سربی ) جهت توزیع آب هنوز در گوشه و کنار شهر دیده میشود. روی سنگفرش خیابانها رد چرخ ارابه ها باقی است. خانه های پمپئی — علی الخصوص آنها که مرمت یافته و بصورت اولیه احیا گردیده است دیدنی است عموما زیبا و دل انگیز است و حکایت از نوعی سرشار با نیان و صاحبانش میکند. در موزه پمپئی و همچنین در چند خانه و حمام عمومی شهر هیاکل گچی از انسان و حیوان بچشم میخورد مشاهده \* این هیاکل سنگدترین نفوس را میسراند زیرا صحنه مرگی فجیع و وحشتناک را در برابر دیدگان قرار میدهد هر چند هیاکل گچی است ولی هیئت آنرا دید توانمندی تقدیر بوجود آورده است ساخته و پرداخته \* دست انسان نیست. کسانیکه در حین نزول بلا مجال فرار نیافتند لابلای مواد گداخته زنده بگور گردیده اند — بهمان هیئتی که جان داده اند بطور طبیعی قالب گیری شده و تدریجا که بدن آنها فاسد گردیده است يك فضای خالی محتوی استخوانهای ایشان بجا مانده و بعد از کشف آثار شهر باستان شناسان موفق گردیده اند بعضی از این حفره ها را بادقت کامل از گچ پر نموده شکل اولیه اصلی آنها را در حین احتضار بدست آورند.

## آهنگ بدیع

بدیعی است استخوان طبیعی صاحبان این هیالک درجوف هیکل گچی ضبط گردیده است چنانچه در بعضی از آنها گوشه هائی از استخوان طبیعی بچشم میخورد .

دیدار این آثار و مشاهده خرابه های شهر مصیبت زده در دامان کوه سیاه و آراهی که نوزده قرن پیش در نهایت قساوت و بیرحمی این بلارابرآن فرود آورده بسیار عبرت انگیز و رعب آوراست . پیمپی شهر کوچکی است و وسعت آن حتی با وسعت شهرهای درجه دوم امروزی قابل مقایسه نیست معذک در حد خود کامل و بجمیع وسائل لازمه زندگی مجهز بوده است معلوم است که ساکنین آن زندگانی مرفهی داشته اند . طبق معمول شهرهای رومی دارای چند فورم ( میدان عمومی مخصوص اجتماعات شهری ) و چندین معبد است ( مانند معبد های ژوپیتر و آپولون ) یک آفنی تاتر بزرگی بگنجایش بیست هزار نفر . یک تاتر رومای بظرفیت پنجاه هزار نفر . یک آموزشگاه مخصوص پهلوانان حمامهای عمومی متعدد و اماکن مخصوص عیش و عشرت دارد . کسبیکه در خرابه های این شهر قدم میزند سیری عجیب میکند در زندگانی ساکنان قدیم آن دو جنبه \* مختلف بی بیند جنبه ای حاکی از طبع ظریف و قریحیه \* سرشار است که انسان را بی اختیار مجذوب و مسحور میکند و بتحسین و امیدارد و جنبه \* دیگر مدل بر انحطاط اخلاقی و فساد معنوی است که انسان را متأثر و از غفلت شدید آن قوم متا \* سف میسازد . در هر خانه ولانه ای بساط عیش و فساد مهیا است بسیاری از منازل مجهزه خلوتگاه عشق است و دیوارهای آن مزین به نقوش زننده ای است که در نهایت وقاحت و دریدگی ترسیم یافته . در خیابان ها آثار میخانه ها هنوز باقی و برجاست . پیدا است که اگر مردم این شهر از موهبت عفت و عصمت و عطیه \* شرم و حیاء بالمره عاری بوده اند شعارشان میخوارگی و هر زگی

و منتهی آمالشان انهماک در زائل نفسانی است . فساد و تباهی شان بهمان شدت فساد قوم لوط و سرنوشتشان نیز همان .

آیادرك این حقایق عبرت انگیز و دهشت آور نیست با مشاهده همین يك صحنه بظنم رسید کلیه صحنه های نظیر آنرا دیده ام . گوئی تلم داستانهای کتب عهد عتیق و عهد جدید و حکایات تر آن مجید و سایر زبر مقدسه در برابر دیدگاتم جلوه نموده است بعدی اختیار متوجه زمان حاضر میشدم و فقر روحانی و معنوی مردم این عصر و سقوط تدریجی بشر را در عذاب مادیات و زائل اخلاقی بنظر میاوردم و از تصور تحقق وعود محتومه الهی برخوردار میشدم . با خود میگفتم دنیای پریشان را گریزی از تحمل بلای ناگهانی نیست و تطهیر عالم را از لوث اسقام مزمنه جز نزول عقاب عظیم راهی نه تنها يك روزنه امید هست آن نتیجه \* مطلوبه ای است که بر حسب وعده \* الهی بعد از نزول بلیه \* عظمی و رزیه محتومه \* کبری رخ میگذاید و جلوه میکند . آفتاب موهبتی است که بعد از فرونشستن طوفان درخشش آغاز میکند و بلبل خوش الحانی است که بر شاخسار وجود نغمه \* طلوع مدنیت الهیه را میسراید مگر نه آنست که شارع قدیر بنفسه المقدس میفرماید " عالم منقلب است و انقلاب او یوما فیوما درتزیاید و وجه آن بر غفلت و لامذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشاء نیکه ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام میروند و اذاتم المیقات یظهر بنغمته ماتر تعدیه فرائذ العالم اذا ترتفع الاعلام وتغرد العنادل علی الافنان " بر حسب امریه کمیسیون سالنامه لجنه محترمه ملی جوانان بهائی ایران تحریر یافت .

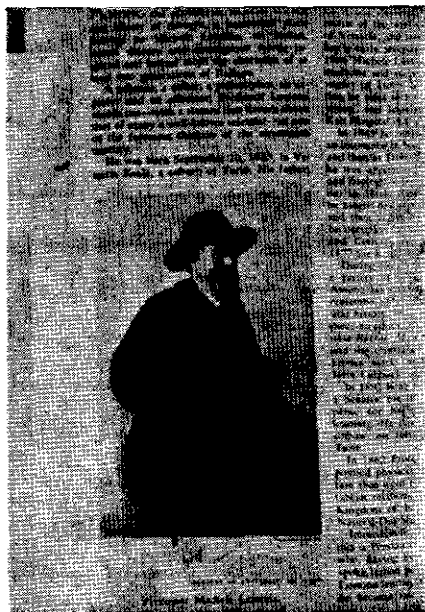
کیومرث ایزدی - طهران - دیماه ۱۳۳۸



# تحلیل یک دانشمند ایتالیایی از حضرت باب

ترجمه و تلخیص از کتاب عالم بهائی جلد ۱۲ سنه ۵۴-۱۹۵۲

بقلم ایادی امرالله جناب دکتر جیاجی  
ترجمه - فریدون سلیمانی



در میان پیشروان علوم جدید و آزادی فکر بشر مایکل لسونا  
MICHELE LESSONA دانشمندی که کلام  
صادقانه و شهادت آمیزش الهام بخش، لا اقل د و نسل ایطالیایی  
میباشد مقابله ارجحند برای خود کسب نمود و اطلاعات وسیع  
او در رشته های مختلف علمی - ادبی و فلسفی او را سرآمد  
دانشندان مشهور همزمان کرده است. پروفسور مایکل لسونا  
در روز بیستم سپتامبر ۱۸۲۳ در وناریا ریل  
VENARIA REALE از قصبه اطراف تورین متولد  
TURIN شد پدرش کارلو لسونا  
CARLO LESSONA

رئیس مدرسه دامپزشکی و ناربا بود و شاید به همین سبب بود که از کودکی علاقه \* وافر و بفرآ گرفتن رشته های مختلف  
علمی از خود نشان داد در سال ۱۸۴۶ درجه \* دکترای خود را در رشته \* جراحی در دانشگاه رویال تورین  
ROYAL UNVIERSITY OF TURIN بدست آورده سپس بصر سفر کرد و با وجود اینکه بیش از بیست و  
چهار سال نداشت بریاست بیمارستان خانقاه KHANKAH قاهره منصوب شد در سنه ۱۸۴۹ با ایتالیا  
بازگشت ابتدا در آستی ASTI و سپس تورین بعنوان معلم تاریخ طبیعی مشغول شد در سنه \* ۱۸۵۴ در  
حالیکه فقط سی و یک سال از عمرش میگذشت کرسی های معدن شناسی و جانور شناسی دانشگاه جینوا GENOVA  
با وواگذار شد و در سنه ۱۸۶۵ کرسی کالبد شناسی نیز با و داده شد و بالاخره در سنه ۱۸۷۷ بریاست دانشگاه  
برگزیده شد.

در سنه ۱۸۹۲ هابیرت پادشاه ایتالیا KING HUMBERT اورا بیاد اثر خد ماتش در راه آموزش  
و پرورش بنمایندگی سنا برگزید و بالاخره در سنه ۱۸۹۴ در میان اندوه فراوان دانشگاه هیان در موطن عزیزش  
تورین درگذشت.

در طی مدت حیات آثار علمی و فلسفی او در رشته های مختلف ادبی و علمی از خود بجا گذاشت که اهم آنها عبارتند از تاریخ طبیعی  
صورت قدرت و اراده . اعترافات یک کشیش و خاطرات یک استاد پیر سالخورده . همچنین مشهورترین آثار داروین  
JOHN LUBBOCK جان لوبوک SAMUEL SMILES داروین ساموئل اسمیلز

## آهنگ بدیع

روحانی و مذهبی طبیعت دوست داشتنی - عظمت شخصیت - برازندگی قامت و زیبایی سیمایش - تحسین و محبت اطرافیان را برانگیخت و علاقه منسوبین را بسوی خود جلب کرد این جوان میرزا علی محمد بود که در یک خانواده \* شریف پابصره \* زندگی - گذاشته بود نژاد او از طریق امام حسین به پیغمبر اسلام میرسید .

از او ان طفولیت حالات جذبه و روحانیت فوق العاده از او ظاهر میشده است .

پروفسور لسونا درباره \* ملاحسین بشرویه ئی چنین مینویسد :

" مردی بود بسیار دانشمند ریاضت کشیده و بسا شهامت دارای طبیعت آتشین و در علم تفسیر تجریدی بسزاداشت .

درباره \* \* ما \* موریت الهی و سبک نگارش حضرت اعلی چنین اظهار نظر میکند .

" سبک نگارش حضرت اعلی بسیار عالی و رو بهمرفته شباهتی با آثار بشری نداشت بیانات او در اعماق قلوب مستعین مؤثر افتاده اعجاب آنها را - بر میانگیخت خانه اش شب و روز محل اجتماع کسانی بود که شیفته \* نهضت جدید او شده بودند . " بعضی از مردان ثروتمند و هوشیار و علمای طراز اول نیز بودند که در سلك پیروان حضرت باب داخل شدند .

درباره \* واقعه \* زنجان مینویسد .  
" پس از ده سال از وقوع آن حوادث هولناک از این شهردیدن کردم هنوز آثار وحشت و خرابی آن وقایع غم انگیز در آن شهر مشاهده میشد . "   
درباره \* تا \* مینداشتن پیروان حضرت بسا ب

و بسیاری دیگر ابایطالیائی ترجمه کرد .  
پروفسور مایکل لسونا در سال ۱۸۶۲ بعنوان طبیب بهمراهی نمایندگان سیاسی ایتالیا بکشور ایران سفر کرد در ورود به تبریز باشخصی بنام داودخان که سالها در ایتالیا زیسته و باین زبان آشنائی کامل داشت برخورد کرد و بوسیله \* همین شخص بانهضت بایی آشنائی پیدا کرده مجذوب زندگانی حضرت باب و ما \* موریت الهی ایشان شد و در فرصت های مناسب تحقیقاتی در اینباره بعمل آورده و در مواقع مقتضی از امکته ئی که وقایع مربوط به نهضت بسا ب در آنجا اتفاق افتاده بود دیدن کرد و قتیکه بهمراهی کنت ده گوینو COUNI DE GOBINEAU

سفیر دولت فرانسه بکشور ایتالیا بازگشت رساله \* کوچکی در شصت و شش صفحه درباره \* نهضت باب نگاشته منتشر کرد این رساله برای اولین بار در سال ۱۸۸۱ در شهر تورین در چاپخانه وین سنز بونسا VINCENZ BONA بطبع رسید فرناندو

موروسی FERNANDO MOROSI یک کتابفروش بهائی ایتالیائی که از ساکنین شهر رم بود یک نسخه از آنرا بدست آورده بحضور حضرت شوقی ربانی در حیف ارسال داشت و اکنون بعنوان یکی از اولین کتبی که توسط یکنفرارویائی غیر بهائی درباره \* حضرت باب نوشته شده محفوظ میباشد .

در بعضی از فصول این کتاب مختصرا اختلافی باتواریخ مشهوری چون تاریخ براون BROWNE و دو گوینو DE GOBINEAU و نیبیل زرنندی مشاهده میشود .  
اینک خلاصه چند فصل از کتاب مذکور بنظر خوانندگان عزیز میرسد -

" در شهر شیراز ایام کودکی را بانتهارسانید و وارد در مرحله \* بلوغ شد قدرت و توانائی منحصر بفرود هوشیاری بی نظیر - تمایل عمیق بمسائل -

چنین مینویسد :

در ایران صحبت کردن راجع به نهضت جدید باب و کسب اطلاع در این باره کاری بود بس خطرناک این اسم چنان وحشت ورعی در دلها بر میانگیخت که اشخاص نه تنها جرات حرف زدن در باره آنرا نداشتند بلکه فکر کردن در این موضوع نیز آنها را در وحشت میکرد .  
حتی ایتالیائیهای مقیم طهران جرات نیمکردند راجع باین موضوع صحبتی بمیان بیاورند . بخاطر میاوم یگروز در یکی از قصبات نزدیک طهران با کنت دوگویی راجع به نهضت باب صحبت میکردیم و من مدارکی برای کتاب خود جمع آوری میکردم با وجود اینکه کنت دوگوییو سفیر امپراطوری فرانسه در طهران بود با اینهمه وحشت داشت که در قلب کشور ایران راجع به نهضت باب صحبت کند و از ادامه این بحث برای خود احساس خطر میکرد شاه و صدراعظم ایران از ایجاد هر نوع انقلابی وحشت داشتند و پیوسته در صد طرح نقشه هائی بودند که بوسائل ممکنه این طائفه را نابود کنند و آنها را بانواع عذاب و شکنجه آزار میکردند چنانکه یکبار پیروان حضرت باب را بدست اصناف و طبقات مختلف سپردند و هر دسته میکوشیدند با ابتکار تازه تر و شکنجه بیشتر قربانی خود را عذاب دهند و کسانیکه چیزی بفکرشان نمیرسید بکلانتر شهر مراجعه و با او مشورت میکردند زیرا او در این مورد طولانی داشت مدت هیجده سال از سلطنت ناصرالدینشاه میگذشت در تمام این مدت سوه ظن آمیخته بوحشتی جانگاہ نسبت باین طائفه در دل شاه ایران جای گرفته بود غالباً اشخاص را بنام بایی دستگیر کرده پس از غارت اموالشان آنها را بسختی عذاب داده سپس بقتل میرساندند چه بسا اشخاص متمکن غیربایی را عدا باین نلم میگرفتند

و پس از تصاحب اموال و املاکشان آنها را آزار کرده جیب خود را بر میگردد .

مطالعه يك فصل از کتاب پروفیسور لسونا انما ترا باعجاب و تحسین بر میانگیزد و نشان میدهد که هوشیاری و بصیرت او سبب شده است که تا اندک از مقام حضرت بها<sup>۱</sup> اللہین ببرد و یکسال قبل از اظهار امر علنی ایشان را جان شین حضرت باب معرفی نماید . در این باره پروفیسور مایکل لسونا چنین مینویسد .

در زمان حاضر شخصی در بغداد زندگی میکند که میتواند اورا جان نشین باب نماید این شخص که خارج از دسترس حکومت ایران در عراقی عرب بسر میبرد دائما با این نظایفه در ایران و هندوستان و سایر ممالک شرقی در تماس میباشد و دستورات خود را بانها ابلاغ میکند .

نویسنده<sup>۲</sup> کتاب در پایان این مطلب را با خوانندگان خود در میان میگذارد که :

آیاد یان ت جدید حضرت باب پایدار و برقرار خواهد ماند ؟ آیاتوسعه خواهد یافت ؟

جواب عاقلانه نی که بسؤال خود میدهد اینست که " نسلهای آینده این موضوع را روشن خواهند کرد " صمیمیتی که در ایران بین پروفیسور لسونا و کنت دوگوییو بوجود آمد در تورین ایتالیا بپایان رسید شرح اینست که پس از سقوط امپراطوری فرانسه کنت دوگوییو از وطن خویش تبعید شده قسمتی از باقی عمر را در آلمان و بقیه را در ایتالیا بسر برد . غروب روز ۲۲ اکتبر سال ۱۸۸۲ مرد موقری با ظاهر بسیار آراسته در راه مسافرت خود به بیزادر شهر تورین بیمار و در هتل لیگوریا بستری شد

این مسافر نجیب زاده که کسی بغیر از کنت دو

گوییو نبود صبح روز بعد در گذشت و در مراسم تشییع جنازه ساده و مختصر و فقط صاحب مهمانخانه

(بقیه در صفحه ۱۴۲)

# عدای روح

۳

ع - صادقیان

خواندنی های کودکان و نوجوانان

در شماره گذشته درباره اهمیت مطبوعات و انواع آن بحث کردیم در این شماره که آخرین قسمت این سلسله مقالات خواهد بود درباره "خواندنی های کودکان و نوجوانان" سخن خواهیم گفت:

XXXX

از نظر اهمیتی که "مطالعه" در تعلیم و تربیت اطفال و نوجوانان دارد و نقش عمده ای که در این مورد بازی میکند امروز علمای تعلیم تربیت و روانشناس درباره "خواندنی های کودکان و نوجوانان" تحقیقات فراوانی نموده نظریات مفصلی ابراز داشته اند. بطوریکه امروز این موضوع یکی از مباحث علم تربیتی و روانشناسی کودک را تشکیل میدهد.

همانطور که "حسن کنجکوی" در نهاد هر طفلی بودیعه گذاشته شده و کودک همیشه در صد پیداکردن مجهولات است وقتی هم که بمدرسه میرود و خواندن و نوشتن بی آموزد دنیای جدیدی که همان جهان خواندنی ها است بروی او گشوده میشود و در "کتاب" پاسخ بسیاری از "مجهولات" و چرا های خود را می یابد و بسائقه اقتاع همین حسن است که اطفال رغبت به خواندن و فهمیدن مطالب پیدا میکنند.

بنابراین پدر و مادر و معلم باید برای پرورش صحیح این حسن کودک را بدرستی هدایت کنند و او را از طفولیت به مطالعه صحیح و مفید آشنا سازند و بدانند همانطور که اطفال هر غذائی را نمی توانند بخورند و هضم کنند هر کتابی را هم نمیتوانند و نباید بخوانند و باید کتبی که از لحاظ مطلب و موضوع مفید و از نظر مشکل ظاهری جالب و مشغول کننده باشد در دسترس اطفال گذاشت تا با مطالعه آنان باستانی بتوانند مطالب آنرا درک نمایند.

از نظر اهمیتی که این موضوع یعنی "نوشتن و تهیه کتب مخصوص اطفال" دارد در دنیای تمدن نویسندگان و استادان و نقاشان زبردست کتب فروشی مخصوص سنین مختلفه اطفال را تهیه میکنند و با درج تصاویر و مطالب بصورت های جالب و دلپذیری شوق و ذوق مطالعه را در کودکان بیدار و تقویت مینمایند.

کتابخانه های عمومی مخصوص اطفال و نوجوانان در دبستانها و دبیرستانها و شهرهاتا" سپس میکنند مراسم مختلفی برای تشویق و ترغیب اطفال و جوانان بمطالعه مانند "کتاب" و امثال آن برگزار میکنند - خلاصه به انحاء مختلفه ذهن اطفال و نوجوانان را باین امر مهم یعنی "مطالعه صحیح و مفید" معطوف داشته و میدارند.

نظری اجمالی به احصائیه کتب منتشره مخصوص اطفال از زبانهای عمده جهان - مانند - انگلیسی - فرانسه - آلمانی - روسی و غیره این اهمیت را بخوبی ثابت و مدلل میدارد امروز در غرب - غیر از کتب درسی که اطفال و نوجوانان در مدارس بخوانند یک سلسله کتب قرائتی غیر امری تحت نظر متخصصان علم تربیتی تهیه و منتشر میشود.

این کتب علاوه بر اینکه میتوانند بمنزله درس تاریخ جغرافی - حساب - ادبیات - تاریخ طبیعی و تربیت اجتماعی و هنری اطفال و نوجوانان باشند فکر و تحسین و احساس آنان را به بهترین وجهی پرورش داده توجه و علاقه و همکاری خاص اطفال را که قبلاً ذکر شد بنحو مطلوب و پسندیدنی جلب و هدایت مینماید. ضمن اینکه آنان را به ( مطالعه صحیح و مفید ) و منطقی عادت میدهند برای مطالعه و درک و فهم مطالب سنگین تر و عمیق تر در سنین جوانی و بلوغ و رشد کامل فکری آماده میسازند و عبارت دیگر شایسته بنای فکری و روحی اطفال را از کودکی بوسیله مطالعه اینگونه کتب مفیده که در علم بزیان هم " نامیده میشود در زهن آنان یا بر جاو استوار میسازند.

در سالهای اخیر در کشورمان نیز بعضی از این مجموعه ها توسط بعضی مؤسسات ناشر کتاب ترجمه و منتشر شده که بعضی در مجموعه هایی درباره علم بزیان ساده و برخی بطور متفرقه ترجمه و منتشر میشود و امیدواریم در آینده نزدیکی اسامی این نوع کتب مفید را جهت اطلاع اولیای محترم و نونهالان عزیز درج نمائیم.

بمراتب میتوان گفت قسمت مهم خوشبختی یا بدبختی سنین بلوغ هر کودکی در ایام طفولیت و نوجوانی بمطالعه کتب مفید یا مضر بستگی دارد. چون اطفال بواسطه قابلیت انعطاف ذهنی که دارند با آسانی تحت تاثیر قهرمانان کتبی که میخوانند واقع میشوند و از گفتار و کردار و سرنوشت آنان سرمشق میگردد و اگر قهرمانان کتابها اشخاصی متدیسن نیکوکار - شجاع - دلیر - راستگو در ستکار و امین باشند بهمین نحو اگر برخلاف آن مردمانی فاسد الاخلاق و زشتخو و بیرحم و جهانی و ستمکار باشند نیز بهمین متوال فکر میکنند و عمل مینمایند. حضرت ولی امرالله ارواحنا لترتبه الفداء مکرر ا

اطفال و جوانان عزیز بهائی را به مطالعه تاریخ امر و تدقیق و تحقیق در صحنه های جانبازی و از خودگذشتگی های نفوس مقدسه ای که جان خود را در راه اعلان امرالله فدا کرده اند امر میفرمودند تا روح از خودگذشتگی و فداکاری و انقطاع و قیام بخد مت در راه امر مبارک در جوانان و اطفال عزیز بهائی تقویت و بیدار گردد و کودکان بهائی از طفولیت با قهرمانان تاریخ امر آشنا شوند و در حیات روحانی خود از زندگی آن نفوس مقدسه سرمشق گیرند.

در اینجا وظیفه بسیار مهمی بعهده پدران و مادران و معلمین مخصوصاً مربیان محترم کلاسهای دروس اخلاقیه است که اطفال و جوانان عزیز را در انتخاب کتب خواندنی کمک کنند.

در مورد کتب امری بایستی اطفال و نوجوانان تا میتوانند به مطالعه کتب تاریخ امر تشویق و ترغیب شوند و با اینکه متاسفانه در زمان فارسی کتب امری مخصوص اطفال بهائی نوشته نشده ولی جناب روحی ارباب دو کتاب ( نجوم بارز ) و حکایات امری را برای مطالعه اطفال تدوین نموده اند که امید است در آینده اینگونه کتب با تصاویر رنگی و شکل ظاهری جالب و دلپذیری تهیه و منتشر گردد.

در مورد کتب غیر امری - داستانهای از زبان جوانان ( بخصوص برای سنین اولیه ) داستانهای فکاهی - افسانه های قهرمانی و پهلوانی که محرک و بیدارکننده روح جوانمردی و دلیری است داستانهای اکتشافات و انتراعات علمی بزرگان ساده شرح حال انبیا - بزرگان و خادمین عالم انسانی و مخترعین و مکتشفین و نوابع و امثال اینگونه کتب که غالباً با تصاویر جالب رنگی همراه باشد برای مطالعه اطفال و نوجوانان بر حسب سن و معلومات آنان مفید و ضروری است.

## آهنگ بدیع

و نوجوانان خود برای انتخاب و خرید کتب مفیده در سنین مختلفه ندارند - در جواب این مژده را - می دهیم که در آینده نزدیکی هر چندگاه - صورتهائی از نام و نشان کتبی که برای مطالعه اطفال و نوجوانان عزیز بهائی مفید باشد بانظر اهل فن تهیه کرده در " آهنگ بدیع " منتشر خواهیم کرد .

باشد که اولیا و مربیان عزیز را در این امر حیاتی و مهم راهنمائی کند و مورد استفاده آنان قرار گیرد .

+++++

### توضیح

برای مزید استحضار خوانندگان عزیز

۱- در شماره دوازدهم سال پانزدهم مورخ

اسفند ماه ۱۳۳۹ مطالب سطر ۲۶ ستون دوم از

صفحه ۳۷۴ الی سطر هفتم از ستون اول صفحه

۳۷۵ مضمون بیان مبارک بوده و عین بیان -

نیست .

۲- جدول شماره ۴ مندرج در شماره

چهارم سال شانزدهم ( تیرماه ۱۳۴۰ ) توسط

شاب روحانی جناب فرهنگ نگارستان تهیه

شده است .

+++++

اولیا و مربیان محترم اطفال و نوجوانان عزیز بهائی را باید از کودکی به ( مطالعه صحیح و مفید ) عادت دهند و آنانرا هدایت نمایند تا این امر حیاتی یعنی عادت بمطالعه در سنین رشد و بلوغ ( طبیعت ثانوی ) آنان گردد و خود بدون کمک سایرین بتوانند کتب مفید را انتخاب و مطالعه نمایند و حل مشکلات خود را از ( کتاب ) - بخواهند و بعبارت دیگر بایستی سعی شود ( مطالعه صحیح و مفید ) جز " زندگی روزمره کودکان و نوجوانان در آید و همانطور که در شبانه روز هر طفلی غذای خورد میخوابد - و بازی میکند ( مطالعه ) نیز از زندگی روزمره او انفکاک ناپذیر میشود .

موضوع دیگر عادت دادن اطفال و نوجوانان به جمع آوری و نگهداری کتاب و تهیه " کتابخانه شخصی " است این کار علاوه بر اینکه " حس تملک " طفل را ارضا میکند او را به جمع آوری - کتاب تشویق میکند و چه بسا طفلی پس از اینکه دوره دبیرستان را طی کرد کتابخانه شخصی قابل توجهی برای خود تهیه کرده باشد .

برای تشویق کودکان باید پدران و مادران کتب مفید را خریداری نموده در مواقع و فرصت های مختلف مانند عید جشن تولد و امثال به کودکان خود اهدا نمایند و همچنین آنانرا تشویق نمایند پولهایی را که از پدر و مادر بعنوان " توجیسی " میگیرند بجای خریدن اشیاء و خوراکی های بیفایده جمع کرده هر چندگاه با آن وجوه کتابی بخرند و مطالعه کنند و در کتابخانه شخصی خود نگهداری کنند .

xxx

شاید پدران و مادران و مربیان عزیز از خود بیروستند که اطلاعات کافی برای راهنمائی اطفال و -

# مناجات سجده

کتابخانه اهراسان

"بچه محبوب است آگاهی صبحگاهی  
و چه مطلوب است بیداری بامدادی"  
حضرت عبدالبها

هنوز آواز و حنوا زاز و نیاز آن پیر مرد روحانی بدرگاه قادری انباز در دوشم طنین انداز است. "در ایام مبارک شخصی بود مفتون محبت الله امر فرمودند که این ابیات را قرائت و بلحن خوش تلاوت نماید. ای عشق من از تو سرگشته و سودائی. و اندر همه عالم - مشهور بشیدائی. در نامه مجنونان - از نام من آغازند. زین پیش اگر بودم - سرد فتر دانی. ای باده فروش من - ای مایه جوش من. ای از تو خروش من - من نایم و تونائی. گرزندگیم خواهی - در من نفسی دردم. من مرده صدساله - توجان مسیحائی. والبهاء علی کمال مفتون مستدل کریم ع ع"

نیمه اول شهریورماه شش سال پیش بود که با صفهان رفته بودم. با جمعی از احباب و دوستان در مسافر خانه جنب حظیره القدس منزل داشتیم. صفا و طراوت باغ خلوص نیت ساکنین آن - هوای محتدل شهریورماه اصفهان و - لطف و محبت دوستان بهم آمیخته زندگی را مافوق تصور برایم شیرین ساخته بود و گاهی که محفل انسی فراهم میگشت این حالات زندگی افزون میشد تازه واردین میآمدند و چند روزی میماندند و میرفتند - تقریباً کسی که پیش از نیمه مانده بود من بودم.

راست است که دنیا چون مسافر خانه ایست هر کسی چند روزی در او میماند و بعد رخت سفر بدیاردیگری می بندد و اگر اثری از خود باقی نگذارد حتی نامش هم از خاطره ها محو میشود و میرود. در این مسافر خانه هم بسیار کسان آمدند و رفتند و یکی در من اثری گذاشت که لا اقل تا اثر خامه بر این ورق باقی است. یاد او نیز باقی است. یکروزه ای از شیراز آمدند که پیر مردی قصیر القامه نیز با آنها بود. سادگی و نطافت ظاهری اش آیتی از باطن پاک و بی آرایش بود تمام حرکات و سکنات او بی نهایت ساده و بی بیرایه بود و دوسه روزی که آنجا اقامت داشت جریان عادی پرگرام روزانه مراد یگرگون ساخت چند نفری بودیم که شب ها دیر می خوابیدیم و بالنتیجه صبح ها هم دیرتر بیدار میشدیم ولی آن پیر مرد همیشه قبل از طلوع آفتاب بیدار بود و اتلاوت مناجات همه را غرق عالم رو یا میکرد. اصلاً عالم بین خواب و بیداری لطف دیگری دارد زیرا در عین حال که شخص از قید و بند زندگی بیداری فارغ و آسوده است. قوه کاشفه غیر ارادیش خوب کار میکند و مطالب را حتی را بهتر از مواقع بیداری میفهمد گویی بخدا هم نزدیکتر میشود. آنروز من همین حال را داشتم. آهنگی ملکوتی مرا از خوابی عمیق بیرون آورد. ولی هنوز چشماتم بسته بود درست مثل اینکه در آسمان هستم و فرشته ای آسمانی برام نغمه سرائی میکند.

هیچوقت نتوانسته ام احساسات درونی خود را نه بر زبان و نه بر کاغذ آورم و اکنون هم قادر نیستم آن لحظه رو یائی را توصیف کنم فقط خودم میدانم آنوقت چه حالی داشتم و حالا هم که آن خاطره بیادم میآید همان حال را بیدار میکنم. بسیارند کسانی که همیشه با درون خود زندگی میکنند بدون آنکه عکس الضلعی در چهره یا بیان داشته باشند و در سردی ظاهری آنها بسا اشتعال و مردی نهفته است.

پیر مرد بالحنی ملیح یکی از مناجاتهای حضرت عبدالبها را تلاوت میکرد. این مناجات سابقاً هم بمن روح تازه میداد

## جناب علوی



جناب آقا سید عباس علوی اعلی الله مقامه درسنه \* هزار و سیصد و ده هجری قمری در قریه دستجرد از بلوک بیارجمند که از توابع شاهرود میباشد مستولد شده اسم پدرش میرزا عسکری و نام مادرش بی خانم است و نسب این دانشمند عالی مقام بحضرت موسی بن جعفر علیه السلام می پیوندد . اما تحصیلاتش در مسقط الراس خویش از شش سالگی شروع شده بدین ترتیب که ابتدا در مکتب سواد فارسی فرا گرفته و شش سال تمام کتب درسی آن ایام را نزد معلم آموخته و در دوازده سالگی به همراهی دایه بزرگش بمشهد سفر کرده و در مدرسه \* نواب حجره گرفته و در خدمت اعظام وقت بتکمیل تحصیلات خویش مشغول شده و بمددتوت حافظه و دستیاری پشتکار - بدقایق علم ادب آشنا گردیده و بسیاری از خطب

و مقالات و قصاید فارسی و عربی و آیات قرآنی را از بر کرده سپس داخل رشته \* اصول گردیده و ضمنابتعلم منطق اشتغال ورزیده و بعد بتحصیل فقه و حکمت پرداخته است . اساتیدش در جمیع رشته ها فحول مدرسین عصر از قبیل ادیب نیشابوری و حاجی آقا حسین قمی و آیه الله زاده \* خراسانی و شیخ محمد علی سبزواری رضوان الله علیهم بوده اند . جناب علوی تقدیرش در فن ادب چنان سریع بوده که توانسته است در هیجده سالگی حسین اشتغال بتحصیل حوزه \* درس تشکیل بدهد و گروهی از طلاب را از کتاب سیوطی که در شرح القیه \* ابن مالک است تدریس کند . باری هم چنان عمر را با استفاضه و افاضه میگذرانید تا اینکه بوسیله \* جناب آقا سید رضا بن جنوردی که او هم قبلا از طلاب علم دینی و هنوز ساکن مدرسه \* نواب بود و مختصر اطلاعی از امر الله داشت مشغول تحقیق از امر مبارک گردید و پیش از شش ماه عمل مجاهده را ادامه داد باین کیفیت که هر هفته باناشرتهجات الله جناب آقا میرزا حسن نوش آبادی مذاکره کرد و بسیاری از کتب استدلالی و آیات و الواح الهی را مطالعه نمود تا عاقبت بسبب زیارت الواح ملوک بامر الله ایمان آورد و کمال اشتغال با ارباب عمامه بمباحثه پرداخت و بتفصیلی که شرحش در خور این مختصر نیست مرد و فقها و مخوف عوام گشت و بشدایدی افتاد که احدی جز اصحاب غلوس و ارباب رسوخ کتاب تحملش رانداشت و در تمام امتحانات ثابت و یابرجا ماند بالاخره چون خطر جانی در پیش بود بصلا حدید محفل مقدس روحانی مشهد بشهر عشق آباد روانه شد و بعد عائله اش را بانجا انتقال داد و مدتی در مدرسه بهائیان بتدریس اشتغال ورزید . بعد از چندی متحد البآل از طهران بعشق آباد رسید که هرگاه اشخاص مناسبی را برای تبلیغ



## آهنگ بدیع

امرد نظر دارند معرفی کنند لهذا جناب علوی که هم شایستگی و هم آمادگی برای این کار داشت عاظم طهران شد و این در اردی بهشت ۱۳۰۲ شمسی و سال سیم تصدیقش بود. پس از طی یک سفر هیجده ماهه در قوچان و نیشابور و سبزوار و بیارجمند و طهران و اراک و قزوین و رشت و بادکوبه بعشق آباد رجوع کرده بعد از دوسه ماه توقف خانواده اش را از طریق مشهد به طهران برد و در مملکت ایران بنشر نفعات الله مشغول گردید و تقریباً بیست سال اغلب اوقات را در ولایات گذرانید و در تمام این مدت با کمال جدیت و حرارت باعلای کلمه الله مشغول بود.

ضمناً در هر نقطه حوزه، درس امری تشکیل میداد و اخبار آن درس میکرد و در محافل و مجامع امری نیز احباب را متجذب میساخت و در اثنای مسافرتها چه بسا که بمخاطره هم میافتاد پس از فاجعه شاهرود یعنی شهادت شهدای ثلاثه جناب علوی در طهران اقامت گزید اگرچه باز هم با طراف سفرهایی میکرد ولی برسبیل ندرت و برای مدتی کوتاه و لهذا غالب ایا مش در طهران میگذشت و کل اوقات شبانه روزش در این شهر صرف خدمات امری از تدریس و تبلیغ میشد و نیز کمتر روزی یا شبی بود که در یکی از مجالس تذکر حاضر نباشد و حضار را بی اعتباری دنیا متذکرند و با صحبتهای صریح خود درس عبرت بآنها نهد و آنان را بدینداری و پرهیزگاری و خیرخواهی تشویق نکند. در سنه ۱۱۷ بدیع یعنی سال گذشته محفل مقدس روحانی طهران جناب علوی را برای شرکت در جشن افتتاح ام المعاهد افریقا با طیاره بکامپالاروانه کردند این مسافرت روح او را جوانتر کرد و بسیار بحالش مفید افتاد چه درین سفر انتشار امرالله را بچشم خود دید و عزت و عظمتش را در قبایل آفریقا

مشاهده کرد و با روحی سرشار از محبت به طهران مراجعت نمود و در هر محل شرح این مشاهدات را بکمال سرور ابراز میداشت و کماکان در مجالس تبلیغی و محافل عمومی شمع جمع بود ولی آن ایام دواهی نیافت حتی بدو هفته نرسید زیرا در یازدهم بهمن ماه ۱۳۳۶ در ۶۸ سالگی بعارضه سکته قلبی روح پاکش بملکوت انوار عروج کرد و در روز یازدهم بهمن جسد شریفش که غرق در دسته هائی از گلهای اهدائی از جانب مقامات رسمی امری بود در حالی که در حدود دوهزار نفر از جماعت احباب تا آرامگاه مشایعتش کردند در گلستان جاوید مدفون گردید و غیر از مجلس تعزیتی که خانواده اش برپا کردند محافل تذکر متعدد دیگری هم از جانب اکثر مقامات رسمی بهائی بیادش انعقاد و بذکر خدا تشریف یافت همچنین بنا بامر هیئت مجلله ایادی امرالله مقیم ارض اقدس در نقاط امری ایران محفلهای تذکر بمناسبت صعودش منعقد شد هنوز هم که شش ماه ونیم از وفاتش میگذرد همه جا تذکر خیرش در میان است و جایش در صدر انجمنهای یاران خالی و نمایان.

(علوی الحیوه و فی الممات)

لعمری انت احدی المعجزات

از جناب علوی دو اثر قلبی باقی مانده یکی نامه ای است مفصل بعربی در کمال فصاحت که بدانشند جلیل جناب اشراق خاوری نوشته است و آن نامه عیناد شرح احوال تفصیلی حضرتش که در جلسده ششم مصابیح هدایت مندرج است گنجانده شده و انشاء الله بنویس خود منتشر خواهد شد و دیگر کتابی است بنام (بیان حقایق) که انتشار یافته است و هردو اثر نمونه بارزی است از قدرت ادبسی و احاطه علمی مؤلف آن.

دوست عزیز :

از آنجا که بهبود وضع هنر شریعی منوط و موکول بعلاقمندی خوانندگان و مساعدت آنان در تنظیم و تهیه مندرجات آن و اظهار نظر نسبت بمطالب و مباحثی است که در نشریه مزبور مطرح میشود هیئت تحریریه آهنگ بدیع نیز بی اندازه مایل است که از نظرات خوانندگان عزیز نسبت بمندرجات آهنگ بدیع مطلع شده تا آنجا که میتواند در بهبود و تکمیل این نشریه بکوشد . لذا صمیمانه تقاضا دارد آندوست ارجمنند فرم ذیل را تکمیل فرموده به آهنگ بدیع ارسال دارند موجب کمال امتنان خواهد بود .

( هیئت تحریریه آهنگ بدیع )

.....

اسم	اسم فامیل	تاریخ
آدرس		

۱- سؤال - نظر کلی شما نسبت بمندرجات آهنگ بدیع چیست ؟  
جواب -

۲- سؤال - بنظر شما چه نوع مطالب جدید بایستی در آهنگ بدیع درج شود و به چه مباحثی از - مندرجات فعلی اهمیت خاص داده شود ؟  
جواب =

۳- سؤال - چه انتقاداتی نسبت بوضع فعلی آهنگ بدیع دارید ؟ لطفاً مشروحاً مرقوم فرمائید :  
جواب =

۴- سؤال - آیا مطالب و یا مباحث خاصی مورد نظر شما هست که معتقد باشید در هر شماره صفحه یا صفحاتی از آهنگ بدیع درج آن اختصاص داده شود ؟  
جواب =

۵- سؤال - جنابعالی چه کمکی میتوانید از طریق نوشتن مقالات یا ترجمه و یا ارسال اشعار و عکسهای جالب امری با آهنگ بدیع فرمائید ؟  
جواب =

1

2

# ترجمه حال حضرت ملا علی اکبر ششمین زادی علیه بهادری

## « حاجی انخوند ایادی »

اقتباس از تذکره الوفا



واز جمله ایادی امرالله حضرت ملا علی اکبر علیه بهاء الله  
الایبی است . این شخص بزرگوار در دایت حیات —  
بمدارس علم و فنون رفت شب و روز میکوشید . تا در قواعد  
قوم و معارف ملت و فنون عقلیه و علم فقهیه نهایت  
مهارت حاصل نمود .

در بساط حکما و عرفا و شیخیه داخل شد و در آن اقالیم علم  
و عرفان و اشراق سیروسیاحت مکمل مینمود ولی تشنه چشمه  
حقیقت بود و گرسنه مائده آسمانی در آن بساطها  
آنچه کوشید سیراب نشد . و نهایت آمل و آرزو نیافت  
لب تشنه ماند و حیران و سرگردان . زیرا در احزاب شور  
و ولهی ندید جسد و طری نیافت بوی عشق استشمام  
نمود و چون بحق معائل احزاب رسید ملاحظه نمود ازیم  
ظهور حضرت رسول محمد محمود روحی له الفداتا یومنا  
مذا احزاب لایحد و لایحصی پیدا شده مذاهب مختلفه

اراء متنوعه ممالک مختلفه طرائق کثیره که هر یک بسنوائی دعوائی ماشفات سنویه مینمودند و خیال خویش سبیل مستقیم  
بی بيمودند لکن بحر محمدی يك موج سزد و جمیع این احزاب را بسحق لایامیرد ، لهذا حضرت علی قیل اکبر روز  
بروز تشنه تر شد تا بدربای حقیقت رسید فریاد برآورد .

وهی الریح موجباً یذهب الدر را

الله اکبر هذا البحر قد نخسرا

عنك السباحة ليس السبح مفتخرا

فاخلع ثيابك واغرق فيه و دع

باری حضرت علی قیل اکبر مانند فواره بغوران آمد و بمشابه ماء معین حقایق و معانی بهیران یافت . در دایت  
سلوک در مراتب تسلیم و رضا مسلك فتر و فتایمود و اقتباس انوار کرد پس به تبلیغ پرداخت چه خوشر میگوید .

ذات نا یافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش  
این شخص جلیل به تبلیغ جوی غیر موفقی شد در طهران بایمان و ایقان رسوای خاص علم گردید در کوچه و بازار

( بقیه در صفحه ۱۴۲ )

# کار حکمت

غلامرضا روحانی

پنهان ز دیده ولیک از دل نهان نشوی  
تا ریخ شمسی سال از هجرت نبوی  
عنقای قاف بقا با پروبال قسوی  
تاریخ سال بدیسح از گردش سنوی (۱۱۷)  
تسنیم نظم بها خاصیت دموی  
در راه نصرت حق شد فاتی و فدوی  
وزجان قیص کهن بر کند و یافتنوی  
بهر شهادت وی در مشهد رضوی  
روز قیام حسیع از فرقه اموی  
آن سید قرشی کردار مصطفوی  
پندیست اینسخن ار با گوش جان شنوی  
یا عالمان جهول یا مردم بدوی  
دوراست ساخت عشق از عالم شهوی  
بذریکه دست تو کشت جز آن نیمدروی  
ای راد مرد شجاع ای حضرت علوی  
دایم بفکرت تست  
از دل برون نروی

ای ناشر نفعات ای فاضل علوی  
چون سیصدوسی و نه افزوده شده بهژار  
زین خاکدان فنا بر زد بعالم قدس  
از جمع خود (علائق) ای واصل بیک شد و گشت  
چون دید کرده بدید در جسم کون و مکان  
از دست ساقی عشق نوشید جام بقا  
ز اول که شد ز شرف مؤمن با مر جدید  
انگیخت تیغ ستم آشوب امر منان  
زانسان که دید ز پیش عباس جور و جفا  
از خندان و وطن هجرت گزید چو داشت  
عیسی بکوه و بدشت از احقمان بگریخت  
از بد و امر شدند خصم متادی حق  
راه خداست جدا از راه نفس و هموی  
محصول خرمن عمر اعمال نیک و بد است  
ای کان حکمت و علم ای بحر فضل و کمال  
روحانی از دل و جان  
رفتی ز دیده ولی

# طائر روح

غلامعباس گودرزی (ادیب مسعودی)

هزار دل شکند تا کند دلی را شاد  
بهر شبی است خضابش ز خون صد اما د  
دهد بساط ترا عاقبت زمانه بیاد  
درون ششدر مرگ این عجزه نراد  
شدند غرقه هزاران و این گره نگشاد  
زبون اوست هر آنکو بدهریا بنها د  
از این محیط علایق بعالم آزاد  
نظیر حضرت او مام دهر کمتر زاد  
رود با خم چو گمان فهم گوی مراد  
که خلق را کند از راه معرفت ارشاد  
که گشت بر رخ او باب دانش و داد  
فقیه خاضع و خاشع ادیب و عارف و زاد  
برفت خرمن شادی دوستان بر باد  
بسوی ملك بقا پر چو شاهباز گشاد  
که اتفاق چین مرگ جان خراش افتاد  
بسوی گلشن جاوید روح بادل شاد  
هزار رحمت حق بر روان پاکش باد

زیوفائی این چرخ و از گون فریاد  
بمند دل بجهان کاین عروس نا زیبا  
کنی مسخر اگر باد را سلیمان و ا ر  
فکنده و فکنده مهره " حیات همه  
برای کشف رموز اجل هنرمندان  
اگرچه بحر اجل را کرانه پیدا نیست  
ولیک طایر روح بشو شود بران  
چو فاضل علوی آنکه در جهان کمال  
ز اهل فضل و ادب گاه اکتساب علم  
برای نشر حقایق همیشه میکوشید  
دلش ز پرتو نور بها منور شد  
شجاع و عالم و فاضل لبیب و خوش حضر  
دریغ و درد که از مرگ آن فرید زمان  
چو دید تنگ بود بهر او جهان فنا  
گذشته یکصد و هفده سنه ز دور بدیع  
بروز هفدهم از شهر ملك بود که رفت  
بگو همیشه تو از قلب پاک مسعودی

# تاریخ ادیان

باتوجه بقاء کیدات مکرره حضرت ولی امرالله ارواحنا لرمسه الاظهرالفدا درالواح وآثار مبارکه مبنی بر لزوم اطلاع احبای الهی علی الخصوص جوانان عزیز روحانی بر تاریخ ادیان سلف و با در نظر گرفتن تا نیرات مهمه روحانیه ای که مطالعه تاریخ انبیای سلف و چگونگی اعلام امر و اعلاهی کلمه الله و نفوذ کلام مظاهر مقدسه الهیه و اصول احکام و عقاید شرایع مختلفه میتواند در خوانندگان عزیز برجای گذارده آهنگ بدیع تصمیه گرفت که از این شماره بتدریج تاریخ مختصر شرایع سالفه را در شماره های آهنگ بدیع بطرز بدیع و قابل استفاده درج نماید تا خوانندگان ارجمند با مطالعه مطالب مندرجه در این زمینه ضمن مرور یک دوره کامل تاریخ ادیان بنحو اختصار از عقاید و آثار و سیر و تحول شرایع سالفه مستحضر گردند . امید و آراستکه این تمهید برای خوانندگان عزیز آهنگ بدیع مفید واقع گردد .  
اینک شما و . . . . . هیئت تحریریه

تهیه و تنظیم دکتر ابراهیم فرغانی

## تاریخچه مختصر حضرت موسی و شریعت یهود XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

یکی از انبیای اولوالعزم حضرت موسی مؤسس و شارع شریعت موسویه میباشد پیروان آن حضرت به بنی اسرائیل و یهودی معروفند . کدیپی هم بآنان گفته میشود چونکه بر طبق مندرجات تورات حضرت موسی در کوه طور بسا خداوند مکالمه نموده است بدینجهت آن حضرت را کلیم الله و پیروانش را کلیبی می نامند .  
حضرت موسی پسر عمران از خاندان لای است و لای نیز از پسران یعقوب میباشد .  
رامسس دوم فرعون مصر چون از کثرت توالد و تناسل قوم بنی اسرائیل و ازدیاد نفوس آن ملت بر سلطنت خود بیم داشت و از قرارگاهنان مصری هم پیشگوئی کرده بودند که طفلی از بنی اسرائیل متولد خواهد شد و سلطنت فرعون را تهدید خواهد نمود علیهذا -

مقارن تولد حضرت موسی رامسس دستور اکید داده بود که هرچه اولاد ذکور در بین بنی اسرائیل متولد شد کشته و از بین ببرند . مادر موسی پس از تولد آن حضرت توانست مدت سه ماه وی را مخفی نگاهدارد ولی بعد از ترس او را در سبدی گذاشته در رود نیل انداخت . بر حسب تصادف بقولی دختر فرعون و بقول دیگر زن فرعون او را از آب گرفته بفرزند خود قبول و اسم او را موسی گذاشت . موسی در اصل عبری موشه است که بمعنای (از آب گرفته شده) - میباشد بدین ترتیب موسی از هلاکت نجات یافت و در داریار فرعون بزرگ و محترم شد تا آنکه در سن سی یا چهل سالگی بقصد معاونت یکی از عبرانیان که مورد تجاوز و تعدی یک مصری قرار گرفته بود آن مصری را کشت و چون مورد غضب فرعون قرار گرفته بود ناچار فرار کرد و بشغل شبانی مشغول شد و همچنان باین وضع روزگار می گذرانید تا در سن هشتاد سالگی بامر خداوند مبعوث برسالت گردید . حضرت موسی بنص تورات بعلت لکت زبان از انجلم این ماموریت اظهار عجز کرد ولی خداوند مبدءا م فرمود که در نطق و بیان از برادرش هارون کمک بگیری و بارشاد مردم بپردازد بهر حال حضرت در معیت برادرش هارون بمصر آمد و بدعوت اهالی پسر دخت و شریعت یهود را تا سیس فرمود . قوم یهود متدرجا در ظل تربیت حضرتش

نهی گذاشتند )

در طول تاریخ دیانت یهود انبیای بنی اسرائیل مقام و موقعیت خاصی دارند عده ای از آنان مانند داود و سلیمان دارای مقام نبوت و سلطنت و عده ای نیز توسط سلاطین غیر یهود و یا افراد یهودی معذب گشته اند انبیای بنی اسرائیل را بدو دسته کبار و صغار تقسیم کرده اند اول آنها یوشع بن نون وحی بلا فصل حضرت موسی است و آخرین آنها حضرت یحیی بن زکریا مبشر ظهور مسیح موعود است که بدر بزرگواری نیز از انبیای بنی اسرائیل محسوب است و خودش نیز بخواهش زن بدکاری بحکم شهادت رسید .

از شا انبیای بنی اسرائیل - اشعیا و دانیال - میباشد که نبوات آنها مشهور است انبیای بنی اسرائیل در ظل شریعت موسی بوده و ما مورث داشتند که مردم را راهنمایی کنند و از آتیه خبر میدادند .

کتاب شریعتی حضرت موسی تورا است که بشهادت حضرت عبدالبها در لوح امه الله روز بزرگ .

" تورات که اقدم تاریخ شمرده میشود امروزه نسخه موجود تورات عبری که در نزد یهود و علماء پروتستان معتبر است و تورات سبعین یونانی که در کلیسای یونانی و نزد شرقیون معتبر است و تورات سامری که در نزد سامریون معتبر است ."

مجموعه تورات را علمای یهود بسه دسته تقسیم کرده اند - اسفار که مشتمل بر پنج جلد و اصل تورات است - کبوت که مشتمل بر تاریخ یهود یعنی دو جلد - تاریخ ایام و مزامیر و غیره است . و سوم کتب انبیای بنی اسرائیلی .

اصول احکام تورات بر اساس احکام عشره استوار است احکام عشره اجمالا بشرح ذیل میباشد .  
احکام ذیل در باب بیستم سفر خروج و باب پنجم تثنیه مذکور است .

۱- من یهوده و خدای تو هستم که ترا از زمین مصر و از خانه غلابی بیرون آوردم .

مجمع گشتند و براعنمائی آن حضرت از طریق رود نیل و بر سینا بفلسطین و اراضی مقدسه هجرت نمودند و اگرچه با مخالفت فرعون و آزار مصریان مواجه گشتند ولی ترك سرو سامان گفتند و با کمال سختی و مشقت و تحمل آزار و اذیت کردند و از مصر مهاجرت نمودند و مساعی و کوشش مصریان در تعقیب و انصراف آنان اثری نبخشید بلکه علت خبیثت و خسران فرعونیان شد .

بنابین تورات هنگامی که حضرت موسی در کوه سینا مشغول اخذ دستورات الهی بوده بعلمت اولوئی شدن مدت خبیثت حضرت بنی اسرائیل باغواى شخصی بنام ( سامری ) بیرستش گوساله پرداختند و از توحید منحرف گشتند حضرت موسی هنگام مراجعت غضبناک شد و خداوند بسزای این شرك آنان را از ورود بارش موعود مدت چهل سال محرم داشت و همچنان در بیابان سینا سرگردان ماندند و سپس در ایام یوشع بن نون باراضی مقدسه وارد گشتند .

حضرت موسی مدت چهل سال به تربیت و راهنمایی مؤمنین و پیروان خویش مشغول شد و در این مدت احکام عشره و سایر فروع رابه بنی اسرائیل تعلیم داد و بالاخره در سن ۱۲۰ سالگی از این عالم رحلت فرمود . قبر حضرت موسی نامعلوم است حضرت عبدالبها جل ثناءه حکمت این مسئله را در لوحی از الواح چنین میفرماید .

" ای ثابت بر پیمان . . . علت معلوم نبودن قبر مظهر حضرت موسی روحی له الفداء اینست که آن حضرت بعد از آنکه جمیع امور را نظم و ترتیب داد و تورات را بر سر شریعت الله فرمودند و حضرت یوشع را از میان کل انتخاب فرمودند و او را محول بایشان فرمودند از کثرت مشاغل و غوائل انزوا و اعتکاف فرمودند و بیلابدی رفتند که کسی نهی شناخت و بنهایست آسایش ایام باقیه را گذرانند و صعود فرمودند زیرا اگر بنی اسرائیل میدانستند که در کدام خطه و دیارند مراجعه و مهاجمه مینمودند و راحت



## آهنک بدیع

۲- تراخد ایان دیگر غیر از من نباشد هیچ شکل تراشیده و تمثالی از آنچه بالای آسمان و یائین در زمین و آنچه در آب زیر زمین است برای خود ساز و آنهارا پرستش نما .

۳- نام یهوه خدای خود را باطل مبر

۴- روز شبات را بیاد داشته آنرا تقدیس نما شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور و لسی روز هفتم استراحت و شبات یهوه خدای تست در آن روز هیچ کار مکن نه تونه پسر تونه دختر نه غلامت نه کنیزت نه بهایمت نه بیگانه ای که درون دروازه تو است .

۵- بدروما در خود را احترام گذارتا حیات خود زمینی که یهوه خدایت بتو بخشید دراز شود .

۶- ..... قتل مکن

۷- ..... زنا مکن

۸- ..... دزدی مکن

۹- ..... به همسایه خود شهادت دروغ مده

۱۰- ..... بخانه همسایه خود حسد مبر و بزنی همسایه ات و غلامش و کنیزش و گاو و گاو و الاغش و

بهیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد طمع مکن حضرت موسی علاوه بر احکام عشره تعلیمات و -

قوانین زیادی در زمینه مسائل اخلاقی و مدنی دارد بطور کلی اصول و فروعی که در تورات -

مذکور گردیده مجموعاً ۶۱۳ حکم است که آیات عشره اصول و بقیه فروع محسوب میشود

این احکام بچند دسته و طبقه تقسیم میشوند یک دسته مربوط با حکامی است که بمنزله علامت

و نشانه در بین خدا و بنی اسرائیل مقرر شده از جمله اینها یکی اینست که یکی از آیات تورات راکه

آیه ۹ از باب سفر خروج است بر روی پوست آهو نوشته در میان جعبه کسوی چکی میگذازند

و از طرف بند چری ظریف آن بی بندند و در وقت نماز صبح یکی رابه پیشانی و یکی رابیازوی دست

چپی بندند - دیگر پارچه سفیدی است که حاشیه های آن لاجوردی است و چهار گوشه آن چهاربند پشی دارد و هر بندی از چهارنخ ترکیب یافته و آن نخهارا با هم گره میزنند و این پارچه راکه صیصیت مینامند در موقع نماز صبح بر سری اندازند دست دهم از این احکام عبارت از احکامی هستند مانند حرمت غضب اموال - حرمت خدعه و فریب و گرفتن ربح پول از اسرائیلی و احکام ازدواج و دادن قرض بکسی که محتاج باشد ( در این مورد باید متذکر شد که طبق این حکم اگر مقروض تاشش سال نتواند قرض خود را ادا نماید طلبکار باید در -

سال هفتم از آن پول صرف نظر نماید ) و نیز اگر کسی خانه یا زمینی بخرد پس از بنجاه سال باید بصاحب اولش رد نماید .

قسمت سوم عبارت از بعضی رسم است مانند نپوشیدن پارچه پشی و کتانی - نخوردن گوشت و ماست یا شیر با یکدیگر - بردن قربانی برای بیت الله نزد کاهن برای آموزش گناهان و سایر مراسم که اگر يك پیک نوشته شود مفصل خواهد شد .

یهودیان بر حسب مندرجات تورات دارای اعیان و ایام متبرکه مخصوصه هستند که یکی از آنها روز سبت است که نزد یهود بسیار محترم است و حتی ضمن احکام عشره وارد شده .

دیگر غره ماه که نزد یهودیان محترم است و از جمله اعیان عید بدیع ( فصیح ) است که پانزدهم ماه نیشان است و بیاد روزی است که از مصر خارج شده اند این عید هفت روز دولم دارد روز اول و آخر کار حرام است یکی دیگر از اعیان یهودیان در ماه سوم سال است که در این ماه بنی اسرائیل وارد بیابان سینا شده اند و در ششم این ماه آیات عشره نازل شده دیگر از ایام متبرکه ایام توبه است که در سال يك مرتبه و از اول تادهم ماه - هفتم ادامه دارد روز دهم ماه هفتم در نزد یهودیان

عزیزترین ایام بوده و کیبور نامیده میشود . . .  
 و دیگر روزه بزرگ یهودیان است در این روز کسار  
 کردن بکلی حرام است دوره این روزه از غروب  
 آفتاب تا غروب آفتاب میباشد البته روزه های -  
 دیگری هم بعد از مواقع دیگر سال باین روزه -  
 اضافه شده ولی باید دانست که مهمتر از همه  
 همان روزه کیبور میباشد .

باری امت بنی اسرائیل که در ذلت و امید  
 بودند در نتیجه استتلال در ظل شریعت حضرت  
 موسی بعزت و آزادی رسیدند بفرموده حضرت  
 عبدالها در کتاب مفاوضات .

" جاهلترین اقوام بودند عالیترین اقوام شدند  
 بدرجه رسیدند که بین جمیع ملل مفتخر شدند  
 . . . کار بجائی رسید که حکمای یونان میامدند  
 و از فضیلت بنی اسرائیل تحصیل کمالات مینمودند مثل  
 سقراط که بسوریه آمد و تعلیم وحدانیت  
 الهیه و بقای ارواح را بعد از ممات از بنی اسرائیل  
 گرفت و بیونان مراجعت نمود و تا سیس این تعلیم  
 را کرد . . ."

بطور خلاصه پیروان حضرت موسی در ظل تعالیم  
 آن حضرت از عبودیت فراعنه مصر نجات یافتند و  
 بعزت در اراضی مقدسه تقیم شدند و ایسن  
 عزت و جلال امتداد یافت پس از حضرت موسی  
 یوشع بن نون خلیفه بلا فصل شد و تا ۱۴۲۶ سال  
 قبل از میلاد مسیح که وفات یافت بر هبیری قوم  
 بنی اسرائیل قائم بود . بالاخره پس از گذشت  
 چهار صد و پنجاه سال از تاسیس شریعت یهود  
 سلطنت یهودیه شاوول و پس از او بحضرت داود  
 بالاخره بحضرت سلیمان انتقال یافت ولی پس  
 از وفات حضرت سلیمان در میان امت اختلاف  
 افتاد عده ای یاربعم و عده دیگر رجبعم  
 (فرزند حضرت سلیمان) را بریاست خود برگزیدند  
 و در نتیجه آتش حرب و قتال بین این دود ستسه

بالا گرفت و بدین ترتیب دیانت حضرت موسی  
 بدو مذهب بزرگ تقسیم گردید . در زمان  
 سلطنت رجبعم بنی اسرائیل مورد حمله مصریان  
 واقع شدند و خراج گزارانان گشتند و سپس سیر و  
 ذلیل بخت النصر سلطان جابر بابلی گشتند  
 و بالاخره پس از میلاد مورد حمله و اذیت و  
 آزار دولت روم طیطوس واقع گشتند در خلال

این ایام پس از اسیری بابل و ذلت در دست  
 بخت النصر بود که شهریاران ایران کورش و -  
 داریوش و خشایار شاه آنان را لجویی و استملا  
 نمودند و وسائل مراجعت آنان را به بیت المقدس  
 و آزادی و استقلالشان را فراهم ساختند .

بنی اسرائیل در دوران خلیفه دوم عمریز مورد  
 اذیت و آزار قرار گرفته . خلاصه اینکه با ظهور  
 مسیح صبیح و طلوع جمال محمدی در کسان  
 ملت یهود منهدم شد و بنا بر نبوات دانیال نبی  
 خرابی بیت المقدس و نصب زجاست و موقوف  
 شدن قربانی دائمی تحقق یافت .

در کتب مقدسه بنی اسرائیل بشارات زیادی در  
 مورد ظهور حضرت مسیح و حضرت رسول اکرم  
 و حضرت بها الله موجود است ولی کلیمیان اکثر  
 بعلت اعتقاد باینکه هیچ شریعتی ناسخ شریعت  
 تورات نخواهد بود و نیز بعلت اینکه علامات  
 ظهور بصورت ظاهر واقع نشده از اتیان بایسن  
 مظاهر مقدسه محتجب مانده اند .

از جمله بشارات بظهور جمال اقدس ابهی چند  
 مورد ذیل است .

۱ - از مزامیر حضرت داود در فصل ۲۴ آیه ۸۷

" ای دروازه های صهیون سرها برافرازید تا  
 سلطان ذوالجلال وارد شود این سلدان ذوالجلال  
 کیست خداوند جبار قدیر رب الجنود ."

۲ - از کتاب اشعیا فصل ۳۵ آیه ۲

" شکوفه بسیار نموده . . . مسرور و مسرور و خرمنی





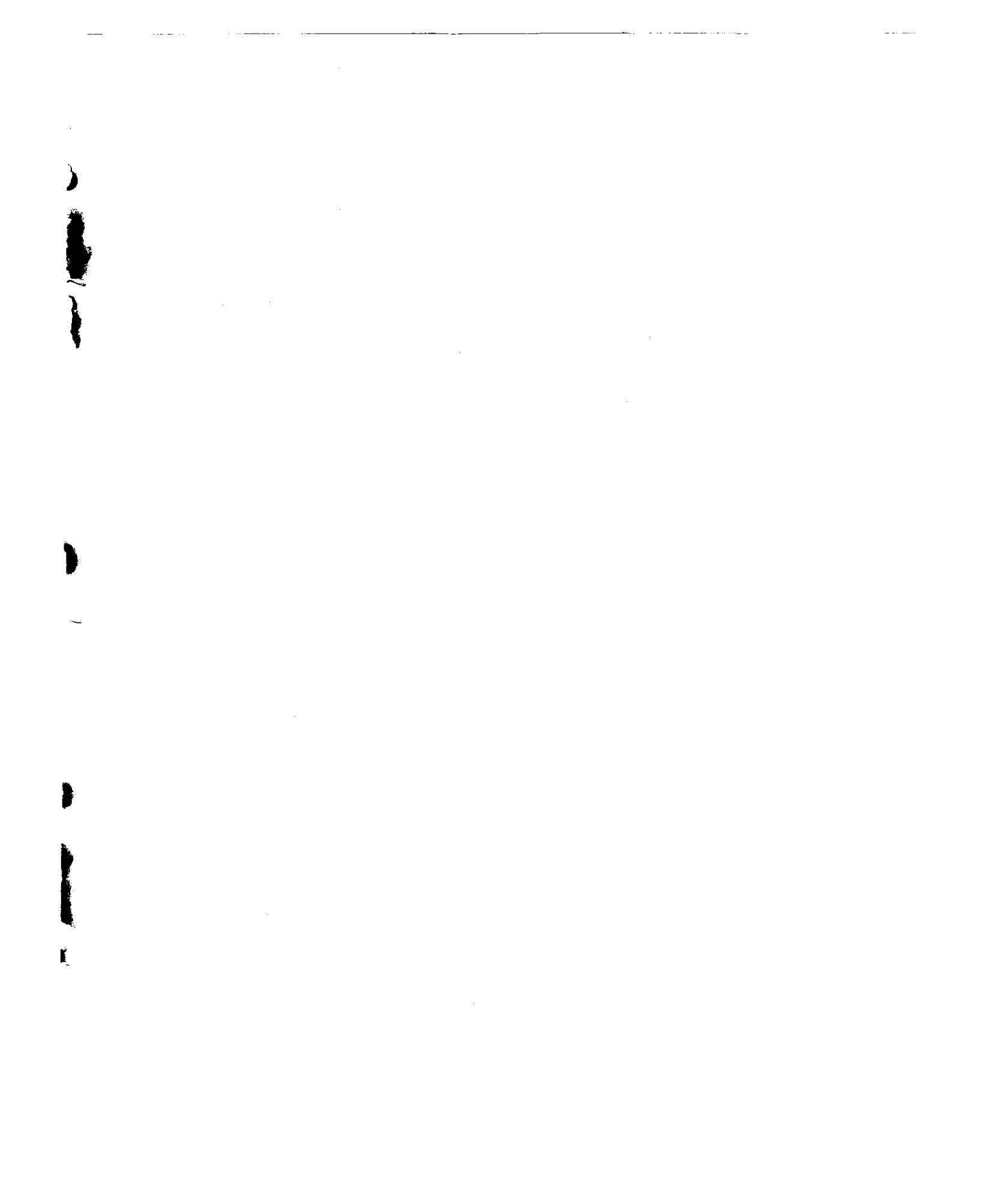
لجنه جوانان بهائی گنبد کاوس - سنه ۱۱۷ یدیع



لجنه جوانان بهائی گرگان - سنه ۱۱۷ یدیع



لجنه جوانان بهائی اندیمشگ - ۱۱۷ یدیع



# بیت‌خاطر تبلیغ

## ضیاء معانی

اغلب از حضرات ناشرین نفعات الله عليهم بها الله در طول مدت حیات و جریان مذاکرات و فعالیتهای تبلیغی که داشته و دارند بمسائل و وقایع و جریاناتی برخورد نموده و یا - مینمایند که اثرات جالبی برایشان باقی گذارده و خاطرات تلخ و یا شیرین و فراموش نشدنی برای آنان بوجود آورده است.

خواندن این خاطرات و آگاهی بر آنها در اغلب اوقات خالی از لطف نیست چه این خاطرات علاوه بر آنکه نموداری از عکس العمل افراد مختلف در مقابل ابلاغ کلمه الله است مشکلاتی را نیز که این نفوس محترمه در مقام اعلائی کلمه الله با آنها روبرو هستند تا حدی نشان میدهد بهر حال آهنگ بدیع با علم باین مقدمه از حضرات ناشرین نفعات الله عليهم بها الله استدعا نموده که خاطرات جالبی را که از جریان فعالیت های تبلیغی خویش بیاد دارند مختصراً تهیه و تنظیم فرموده و برای درج در آهنگ بدیع و استفاده خوانندگان عزیز ارسال دارند.

خوشبختانه بسیاری از این خادمین امرالله مسئول آهنگ بدیع را بزرگوار قبول مزین فرمودند و خاطرات جالبی برای ما ارسال داشته اند که از این پس انشاء الله در هر شماره خاطرات یکی از این ذوات روحانیه را برای مدالعه و استفاده خوانندگان ارجمند در آهنگ بدیع درج مینمائیم و امیدواریم که جمیع حضرات ناشرین نفعات الله و آنانکه در امور تبلیغی خدمت و فعالیت دارند از این پس نیز ما را در تنظیم و ادامه این صفحه مساعدت و یاری فرمایند. اینک شما و خاطره ای از . . . . .

XX

در حدود سال ۱۳۰۵ هجری شمسی بر حسب اتفاق بمدینه عشق آباد وارد شده بودم در آن ایام لوح مبارکی از حضرت ولی امرالله ارواحنا للعظمه الفدا عن نزول یافته بود بدین مضمون:

" در صفحات ترکستان در این ایام استعداد کاملی بین نفوس حاصل شده اگر ممکن شود نفوسی از احبای الهی و ناشرین نفعات الله بآن صفحات مرور نمایند." اینجانب با صلاح دید لجنه مجلله ملی تبلیغ از مدینه منوره عشق آباد به سمرقند عزیمت نمودم پس از ورود با جمع کثیری از نفوس مستعده و اعظم محل در منزل متصاعد الی الله حضرت دکتر عطاء الله افغان اعلی الله مقامه ملاقات و مذاکرات تبلیغی بعمل آمد و گروهی از افاضل قوم تاجیک نیز محب و مستعد قبول کلمه الله گردیدند شیئی برای ملاقات یکی از علما که مدرس یکی از مدارس قدیمه سمرقند بود با جناب و دودی محمود که جوانی فاضل و تازه تصدیق بود و شور و انجذابی فوق العاده داشت به محل مدرسه رفتم. در بدو ورود بنظر رسید که آمدن ما بموقع است چون استاد با شاگردانش که عده از طغلاب و علمای اهل تسنن بودند به بحث و گفتگو مشغول بود اما پس از اندک تا ملی بعد از صرف چای استاد عالیقدر رشته

این امر و نزول عیسی مارا مستفیض فرمائید! اینجانب  
 باینکه در آن محضر با جمع تلامذ انتظار چنین  
 پیشنهادی رانداشتم بر حسب تقاضای مدرس -  
 عالیقدر رشته سخن را بدست گرفته بایک دنیا شور و  
 انجذاب شروع به بیان تاریخ ظهور جمال اقدس  
 ابی جل ذکره الاعلی و ایمان جمع کثیری از -  
 مذاهب و ادیان مختلفه نمودم آن عالم جلیل نیز  
 هم عنان بامن بیانات و اظهارات مرا با توجه بسه  
 حضار با اشاره سرتصدیق و تائید مینمود و شاگردان را  
 متوجه مفاد آن مینمود در خاتمه کلام یکی از علمای  
 حاضر که دارای عمامه بزرگ و صورتی فربه و هیگسی  
 درشت بود بنده را مخاطب قرار داده بانتهاسایت  
 استعجاب اظهار نمود آیا مهدی آل محمد و عیسی  
 روح الله ظاهر شده و شما و جمعی دیگر ایمان  
 آورده اید چون در جوابش بلی گفتم فریاد کنان  
 و نعره زنان اظهار داشت اگر مهدی ظاهر شده و  
 عیسی روح الله نزول اجلال کرده پس چرا خاموشید  
 چرا نعره و فریاد نمی زنید و در مساجد و معابد مردم  
 راه شریعت الله دعوت نمی نمائید چرا در ولایات  
 پراکنده نمی شوید و این خبر بهجت اثر راه سمع عموم  
 نمی رسانید این اولین بار است که من چنین مطلبی  
 را می شنوم بر من تقصیری وارد نیست این کوتاهی از  
 شماست من در عین حال که قلبا و وجدانا بیانات او  
 را تصدیق میکردم علی الظاهر اظهار نمودم یا شیخ  
 گرچه شما تا حدودی حق دارید ولی شما نیز مشخصه  
 مکلفید و بخشوده نمی شوید مانیز در بلاد مختلفه اعلا  
 کلمه الله نموده ایم و مردم را از ظهور مهدی  
 موعود با خبر ساخته ایم وعده کثیری نیز ایمان -  
 آوردند در قلعه شیخ طبرسی و تبریز و زنجان  
 فدائیان این آئین نازنین چندین ماه مدافعه  
 نمودند و تاکنون قریب ۲۰ هزار نفوس در این راه  
 شربت شهادت نوشیده اند بملغین و دعاه این  
 امر مقدس در نهایت شهادت در اکتاف عالم پراکنده  
 (بقیه در صفحه ۱۴۴)

سخن را به دست گرفته اظهار نمود که فلانی مطلبی  
 بنظم رسید که ذکرش بيمورد نیست اگر اجازه فرمائید  
 بذکر آن بپردازم عرض شد ماهمه مستمعیم و متشکر  
 که صحبتی بفرمائید که ما مستفیض گردیم فرمودند  
 چند روز پیش در یکی از خیابانهای سمرقند بختا چشم  
 به دو نفر از شاگردان قدیم خود افتاد که به بحث  
 مشغولند یکی میگفت فلانی ملاحظه میکنی که ملت  
 ما چقدر از شاخه تمدن و ترقی امروزی دور است و در  
 دریای جهالت و نادانی غرق شده اند آیا این ملت  
 همان نیست که در دوران سلف مشعلدار تمدن بوده  
 و علمای چون ابن سینا و فارابی و فخر رازی و غزالی  
 به جامعه تحویل داده آیا همین سمرقند و بخارا  
 روزگاری مرکز علم و معارف مشاهیر دنیا نبوده حال -  
 چه شده که آمدند و از ما پیشی گرفتند و ما هنوز در خواب  
 غفلت باقی مانده ایم دیگری اظهار مینمود که علت  
 اصلی این عقب ماندگی از قافله تمدن خود پسندی  
 و غروری است که همگی را فرا گرفته ماکه مشعلدار علم  
 و دانائی و مقتدای عالم بودیم ماکه بر حسب و عود  
 محتومه قرآن کریم و اشارات ائمه اطهار جهانیان -  
 وعده میدادیم که هادی عظیمی بنام مهدی و عیسی  
 روح الله با بعرضه جهان خواهد نهاد و عالم  
 وجود را عالی دیگر و عرصه خاک را بهشت تابناک -  
 خواهد نمود در خواب خرگوشی فرورفته ایم و گفته های  
 خود را نیز از خاطر ها برده ایم زیرا موعود کتاب آسمانی و  
 شمس تابان آسمان معرفت و دانائی نیز مدتی است  
 در عالم وجود ظاهر و عیان شده و جمعی از هم  
 مذهبان وهم کیشان مادعوش را قبول نموده اند علم  
 امرش در قلوب آفاق برافراشته گشته کثیری از فسرتی  
 مختلف دیگر نیز از نژاد های مختلفه در ظل شریعت  
 مقدسه اش در آمده اند و ما هنوز از این موهبت  
 آسمانی محرومیم باری من که از گفتگوی آنان استحضار  
 یافتم وآه و افسوس آن دورا شنیدم بیادگفته شما  
 افتادم استعداد ارم از بیانات خود و تاریخ ظهور این

# کتاب اقلیم نور

ع - صاد قیابن

ای نور نور از نور تو وی شور شور از شور تو  
جانها همه سر دور تو تو جانان آمده

(دیوان شمس تبریزی)

۲- مؤلف مزبور در صفحه ۲۵۳ زاد ویم جمال مبارک را  
قریه نور نوشته است و بعضی از احباب نیز شهر نور میدانند  
در صورتی که هیچ قریه یا شهری بنام "نور"  
وجود نداشته چنانچه بعد از اشاره خواهد شد  
نوریک بخش بسیار بزرگی است از شمال منطقه افجه  
الی دریای مازندران.

۳- در بعضی از تواریخ نیز جزئی اشتباهاتی  
در خصوص منسوبین مبارک دیده شده که مرا  
وادار نوشتن این کتاب و توضیح مختصری راجع  
بوضع جغرافیائی و تاریخ امر در نور و نسب نامه مبارک  
نمود . . .

XXXX

مندرجات این کتاب بعد از مقدمه به چهار قسمت  
بدین شرح تقسیم شده است.

قسمت اول - جغرافیای نور - قسمت دوم - تاریخ  
امردنور - قسمت سوم - نسب نامه و بستگان  
مبارک و شجره نامه - قسمت چهارم -

مهر مبارک و بستگان و اشخاص دیگر مؤلف محترم در  
تدائیم مندرجات این کتاب بالواج و توضیحاتی که  
باقدر منسوبین و عاقله مبارک نازل گردیده استناد  
حسبته آنها را در کتاب نقل نموده است.

ضمیمه نین برای تحریر مطالب این کتاب با آثار مبارک از  
تبیل لوح ابن ذئب - اشراقات - غنایات و نیز

تحقیق درباره عاقله مبارک و مولد و موطن ایشان  
و انتشار این اطلاعات بصورت کتابی مستقل در مطبوعات  
امری سابقه و از آثاری است که در آینده مبنای -  
تحقیقات وسیعتر و جامعتر محققین و مستمعین قرار  
خواهد گرفت.

مقام شامخی که خانواده جمال اقدس ابهری  
جل ذکره الاعلی در تاریخ امریهائی دارد و اهمیت  
راکه ایام حیات شارع این آئین نازنین و بستگان  
مبارک واجد است شایسته تحریر کتابها و رسائل  
فراوان و تحقیقات و تبیحات گنیزه میباشد و لازم -  
بتذکر نیست که هر چه این تحقیقات بزمان حیات  
مبارک نزد یکتراشد مستند تر و روشن تر خواهد بود.

خادم صمیمی امرالله جناب محمد علی ملک -  
خسروی که خود اهل نور و از منسوبان عاقله مبارکسه  
میباشند برای تدوین این کتاب نفیس به تحقیق  
و تتبع پرداخته برای این منظور مسافرتها عذیده  
بموطن حضرت مکلم طور نموده اند .  
ایشان علت تاء لفظ این کتاب را در مقدمه چنین  
مینگارند :

"چیزیکه بیشتر بنده را بنویستن این کتاب وادار نمود  
۱ - اغلاط و اشتباهاتی است که مولف (کواکب  
الدریه) در صفحات ۲۵۳ الی ۲۵۶ جلد اول و  
صفحه ۴ جلد دوم نموده .



تواریخ امرانند تاریخ نبیل - ظهورالحق - رحیق  
مختم و غیره مراجعه نموده است.

جناب ملك خسروی برای تنظیم شجره نامه  
بارك بمراجعی از قبیل قباله ازدواج حضرت  
بهاء الله - شجره نامه مبارك مندرج در كتاب  
عالم بهائی - روزنامه وقایع اتفاقیه و بعضی  
اسناد و مدارك آن زمان مراجعه کرده و استناد  
جسته است.

یکی از امتیازات این كتاب تنظیم شجره نامه  
بارك ( دونوع ) و تحقیق درباره منسوبین  
بارك بوده که از شهر یاران مازندران ( که  
بفرموده بارك نسبت مبارك به کیان میرسد ) بوده  
و همچنین از رضاقلی بیك تا کروی ( بدرجناب میرزا  
بزرگ نوری ) شروع کرده و به حضرت ولی امرالله  
خاتمه داده است .

از جمله منضمات جالب این كتاب نفیس نقشه دریاچه  
ناحیه نور - عکس خلد جناب میرزا بزرگ بیوت مبارك  
در نور - محل چوینکاری مبارك در آمل - عکس  
جناب میرزا بزرگ - عکس اخوان مبارك - عکس خط و  
سجع مهرهای مبارك حضرت بهاء الله و اخوان  
واقربای مبارك و همچنین مخالفین سرشناس امر  
میباشد .

این كتاب نفیس اخیراً از طرف مؤسسه ملی -  
مطبوعات امری در ۲۶۶ صفحه مقلع پستی تکثیر و  
باجلد مطلوب و نفیس منتشر گردیده است .

مع الاسف در موقع طبع كتاب چند فقره اشتباه  
و اغلاطی رویداده که مراتب در اخبار امری درج  
شده است .

مؤلف محترم حق التاء لیف این كتاب را برای مهاجر  
به نور که منظور نظر مبارك بوده اختصاص داده که  
توسط لجنه ملی مهاجرت انجام گردد . مسلماً  
احبای عزیز الهی علاوه بر مطالعه و استفاده  
معنوی از این كتاب با خرید آن کمکی باین مشروع مهم

خواهند نمود . پایان

بقیه ایادی امرالله (صفحه ۱۳۱)

و با زار بهائی مشارالینان گشت. هر وقت فتنه ای  
میشد اول او گرفتار میگشت بکرات و مرات بحبس و  
زنجیر افتاد و شمایل آن وجود مبارك باشمایل حضرت -  
امین جلیل در زیر زنجیر سبب عبرت هر سمیع و بصیر  
است کار بجائی رسید که هر وقت ضوضا بلند میشد جناب  
علی قبل اکبر عمامه بر سر مینهاد و عبارا بر میکرد و منتظر  
میشد ولی قدرت الهیه را ملاحظه کنید که با وجود  
این محفوظ و مصون ماند . با وجود اینکه در هر دقیقه ای  
جانشر در خطر بود مع ذلک از هر آفتی محفوظ بود .  
در ایام لقا بنهایت شوق و شغف بساحت اقدس  
شافت و بنظر عنایت ملحوظ گشت و بعواطف رحمانیه  
مشمول . پس مراجعت با یران کرد و در جمیع ایام -  
بخدمت امر میپرداخت با او محبت مخصوص داشت زیرا  
خوش صحبت بود و ندیم بی مثیل و نظیر . مرقم  
نورانیش در طهران است هر چند جسمش مدفون در  
تراب است و لکن روح پاکش در مقعد صدق عند ملیک  
مقدر .

بقیه تجلیل يك دانشمند (از صفحه ۱۲۴)

Liguria

لیگوریا و چند نفر از مستخدمینش شرکت داشتند .  
گویا دست سرنوشت چنین مقرر داشته بود که خوابگاه  
ابدی او در محلی باشد که دوازده سال بعد دوست  
صمیمی اش پروفیسور مایکل لسونا در همان مکان چشم  
از جهان فروست و بخاک سپرده شد .

# آهنگ بدیع و خوانندگان

\* سرمقاله این شماره مقاله جالبی است بقلم جناب مهندس کیومرث ایزدی که در سالنامه ۱۱۶-۱۱۷ جوانان بهائی ایران درج شده بود و ما از نظر استفاده عموم خوانندگان عزیز درج آن در آهنگ بدیع اقدام نمودیم .

سالنامه جوانان حاوی مطالب و مقالات مفیده ای است که امیدواریم در آتیه نیز بتوانیم مقالات و مطالب جالب آنرا از نظر خوانندگان ارجمند بگذرانیم .  
\* - بسیاری از دوستان و خوانندگان عزیز بما تذکر داده اند که با توجه باینکه آهنگ بدیع اکنون در سراسر جامعه از پیرو جوان خواننده دارد قید جمله " مخصوص جوانان بهائی است " در صفحه پشت جلد آهنگ بدیع زائد بنظر میرسد .

با اظهار تشکر از توجهی که خوانندگان ارجمند با مورد مربوطه بآهنگ بدیع مبذول میفرمایند اشعار میدارد که قید جمله مزبور همان لور که عملاً نیز به ثبوت رسیده مانع استفاده یاران غیر جوان از آهنگ بدیع نیست و چون از ابتدا آهنگ بدیع از طرف تشکیلات جوانان منتشر گردیده جمله مورد نظر نیز در پشت جلد آن قید شده و میشود .

\* - مهاجر عزیز جوان جناب عزت الله جزایری علیه بهاء الله یکی از نطقهای شیوای امه الله میس مارتاروت را در باره حضرت طاهره تحت عنوان " پیام طاهره بجهان متمدن " از جلد هشتم عالم بهائی ترجمه و ارسال داشته اند که بی نهایت از همکاری و اظهار لطف ایشان متشکریم ( فخر مبلغین و مبلغات ) میس مارتاروت در نطقی مزبور مختصر تاریخ حیات طاهره را بیان نموده و مقاومت

آنحضرت را در برابر اعدا و استقامت او را در مقابل بلاهای وارده ستوده و مقام و منزلت روحانی و ادبی و علمی جناب طاهره را بزبانی خوش بیان داشته اند امیدواریم که جناب جزایری همکاری خود را با آهنگ بدیع کماکان ادامه دهند .

\* - دوست و همکار قدیمی ما جناب بلبل معانی علیه بهاء الله قلمچه شعری با مطلع :  
در سبیلش رنج دیدن خوش بود

محنت و زحمت کشیدن خوش بود

برای ما ارسال داشته اند . با اظهار تشکر از همکاری ایشان مشتاقانه در انتظار آنارد یگری از این دوست عزیز و خوش قریحه خود هستیم .

\* - دوست جوان و عزیز ما آقای هوشنگ رحمانیان مقاله ای تحت عنوان " جامعه جهانی چگونه جامعگرا است ؟ " برای درج در آهنگ بدیع ارسال داشته اند .

در این مقاله آقای رحمانیان ضمن بیان نقش تاریخ در بقا، اقوام و ملتها و تأثیر که تاریخ در پیشرفت و ترقی ملل دارد ، بحث خود را بتاریخ دیانت مقدسه بهائی کشیده و جانبازیها و پیشرفتهائی را که در ظل کلمه الهی نصیب جامعه بهائی شده است یاد آور شده و خصوصیات جامعه زنده بهائی را که بدون توسل بوسائل مادی و سیاسی روز بروز در حال ترقی و پیشرفت است بیان داشته اند و بالاخره از مقاله خود نتیجه گرفته اند که

ضمن اعتلای دیانت بهائی و انتشار آن در سراسر عالم صرفاً عملی با حکام و تعالیم و دستورات الهیه است و بس .

امید واریم که جناب رحمانیان درآینده نیز همکاری خود را از ما دریغ ندارند .

\* - ناشر تفحات الله جناب ضیاء معانی علیه بهاء الله قلمه شعری در بیان لزوم دین و تطابق آن با علم برای ما ارسال داشته اند که بسا اظهار تشکر از لطف ایشان چند بیت از آنرا ذیلا برای استفاده خوانندگان عزیز درج مینمائیم :

علم و عقل ارقین دین باشد

بایه اش محکم و متین باشد

دین کند علم و عقل را ترویج

تاج جهان روضه برین باشد

این تمدن که زاده علم است

دل خلقتی از آن غمین باشد

لیک با دین اگر شود توأم

نموش شهد وانگیبسن باشد

بین تمدن و دین روح است

جسم زنده بروج دین باشد

امید واریم جناب ضیاء معانی علیه بهاء الله آهنگ

بدیع را از آثار دیگر خود نیز بهره مند سازند .

بقیه مناجات صبحگاهی ( از صفحه ۱۲۸ )

بیر مرد بالحنی طبع یکی از مناجاتهای حضرت عبدالبهاء را تلاوت میکرد . این مناجات سابقا هم بمن روح تازه میداد زیرا کلمات و جملات آنرا از سر پدم خوانده بود از حفظ بودم . با شنیدن این مناجات تمام خاطرات خوش ایام کودکی برایم تجدید شد و زنان تاه تیری عجیب در من کرد که تازه هستم اثر آن بر قلبم باقی است .

مناجات تمام شد و بعد از آن گوید و باره خواب برده بود وقتی بیدار شدم سراسیمه بسراغ آنمرد رفتم تا از این خوشحالی که بمن داده است تشکر کنم ولی گفتند برای انجام کاری بخارج از شهر رفته است .

آنروز من بیاد این لوح مبارک حضرت عبدالبهاء افتادم

که میفرمایند :

هو الایهی - ای مقبل الی الله ظلمت شب هر چند شدید و غفلت انگیز است لکن مناجات اسحار و تلاوت مناجات نشانه یوم رستخیز . پس صبحگاهی بابدع الحان چون بذکر رحمن مشغول شوی روحی جدیدیابی و فتوحی تازه مشاهده نمائی چه محبوب است آگاهی صبحگاهی و چه مطلوب است بیداری

بامدادی ، ع ع "

بخدا اینهمه که آوازها و آهنگهای ملل مختلف شنیده ام هیچکدام اینقدر روح را با عالم بالا نبرده اند . این اثر سحر آمیز کلام الهی یا اثر تشعشعات قلب پاک آن مرد نورانی یا قلب من در آن دم صبحگاهی بود .

نمیدانم . کیخسرو - اهورائیان - دیماه ۱۳۳۶

بقیه يك خاطره تبلیغی ( از صفحه ۱۴۰ )  
گشتند و مردم را به ظهور مهدی موعود بشارت دادند چون در این امر مقدس بنابه فرموده ( آنچه دارید بنمائید اگر مقبول افتاد مقصود حاصل و الا تعرف باصل ) ما را به بیان - مطلب ملتزم کرده اند زیرا ایمان امریست قلبی و باید با میل و رغبت و آزادی کامل مفهوم و مقبول گردد نه به جبر و عنف بهائیان ما مورد بااستدلال عقلی و نقلی این امر اثبات و مدلل دارند . بعضی ها از غرور و نخوت آسایش دنیوی را بر جنبش و فداکاری در راه خدا ترجیح میدهند .

باری شیخ بیچاره از شهامت سرسبز پراکنده او را یاری سخن گفتن نبود سپس جناب ودودی محمود که جوانی لایق و فاضل بود و زبانهای روسی ، عربی - ترکی و فارسی را خوب میدانست و به نعمت ایمان نیز فائز و مفتخر بود قیام نموده با بیانات فصیحی در مورد اشتباهی که در اول وهله فرقه تسنن نموده و از اصل اسلام بدور افتاد اظهار نمود و اضافه کرد که ما از قرآن جز درسی و از اسلام جز حرفی درک نکردیم ما حقیقتا سلام را درک نکردیم و بظواهر قانع شدیم الحال که موعود اسلام و مهدی صاحب الزمان ظاهر شده باز هم طریق غفلت و کمراهی گرفته ایم و دروادی حیرت سرگردانیم و مستوجب غضب و عذاب الهی هستیم اگر حال بر این منوال گذرد و این چند روزه عمر نیز سپری گردد و درک حقیقت ننمائیم در عالم عقبی مغنوب درگاه کبریا نیم مجلس با بیانات پر شور و جده فاضل جلیل حضرت ودودی محمود خاتمه پذیرفت و بذرحقیقت در زمین مستعد گاشته شد تا باران رحمت الهی نهالهای سرسبز و خرم بارور گرداند .

بایان